

تاریخ ایلام

تاریخ ایلام از دوره‌های درخشان و با اهمیت ایران باستان محسوب می‌شود. یکی از بخش‌های مهم امپراطوری ایلام استان شیریهوم و شهر لیان (بوشهر کنونی) در جنوب شرقی آن و در امتداد ساحل خلیج فارس است که برخی معتقدند تا میناب ادامه داشته است. شهر لیان در این ناحیه به لحاظ مذهبی و تجارتي اهمیتی خاص یافت به طوری که پادشاهان ایلام بویژه میانی ایلام به آن توجه زیادی داشته‌اند. با این وصف تا کنون پژوهش مستقلی در این مورد انتشار نیافته. در این نوشته سعی بر این است که زوایای ناشناخته حکومت ایلام، موقعیت و اعتبار آن بر اساس کتیبه‌های ایلامی و پژوهش‌های خارجی و ایرانی تا حدی نمایان گردد که خود می‌تواند روشنایی بیشتری به تاریخ ایلام بخشد.

پراکندگی مناطق امپراطوری و گردش دوری حکومت در بخش‌های جغرافیایی آن توجه بیشتری را به کل تواریخ محلی نواحی مختلف ایجاب می‌نماید که پژوهش انجام یافته حاضر در این راستا انجام شد و تقریباً اکثر منابع ایرانی و خارجی به شکل مقایسه‌ای و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

دوره زندگی ایرانیان پیش از ورود آریایی‌ها به علت فاصله زمانی (حدود هفت‌هزار سال پیش) و نبودن متون مستند، همواره وضعیت مبهمی را دارا بوده است. با این حال جلوه‌های درخشان آن را می‌توان در شوش، سیلک کاشان، شهداد کرمان، شهر سوخته زابل و ... دید. استقلال نسبی، از هم گسیختگی سیاسی و خود محوری را می‌توان مشخصه بارز آن‌ها دانست.

از اوایل هزاره چهارم ق.م مردم نواحی مذکور در یک تحول در خانه‌سازی بجای روش چینه‌سازی، خانه‌های خود را با خشت خام ساختند و در زندگی روزانه خود ظروف سفالین را بکار بردند (۱) البته بدین معنا نیست که استقرارهای مذکور چه در دشت و یا کوهستان، بدون ارتباط با یکدیگر و در نهایت تنهایی بسر برده‌اند بلکه از نظر اقتصادی و فرهنگی تأثیراتی متقابل بر روی هم داشته‌اند که درک میزان آن بستگی به شناخت درجه پیشرفت هر کدام دارد.

هر چند از حدود هفتاد سال پیش باستان شناسانی نظیر گیرشمن، کنتنو، اشمیت و هرتسفلد روی این کهن شهرهای پیش از آریایی کار باستان شناختی انجام داده‌اند اما عدم وجود کتیبه‌های خطی پیش از هزاره سوم قبل از میلاد و بطور کلی عدم اختراع خط مانع از دستیابی به اطلاعات ذیقیمت شده است. با این حال دیری نگذشت که با آغاز هزاره سوم ق.م و اختراع خط تمدن شوشان گوی سبقت را از همگنان ربود و پایه تمدنی سترگ را بنیان گذاشت.

آگاهی از حدود و ثغور و فراز و نشیب‌های تاریخ ایلام و ژرف نگری در اجزاء آن، سهم لیان (بوشهر کنونی) را مشخص می‌نماید. لیان تا چه اندازه در مجموع حکومت سیاسی ایلام دخیل یا سهیم بوده؟ چه نقشی در حلقه تجارت دریایی برون مرزی و نواحی داخلی قلمرو امپراطوری داشته است؟ و سرانجام این که موقعیت مذهبی آن و دلایل توجه پادشاهان متعدد ایلام به آن چه بوده است؟

پاسخ به سئوالات یادشده مستلزم دید کلی و همه جانبه به تاریخ ایلام و بیان سهم و موقعیت لیان است. هر چند که فقر منابع باستان شناسی در لیان و عدم انجام حفاریها باعث شده که اطلاعات ما از لیان گسترده نباشد با این حال یافته‌های اندک از کتیبه‌های موجود تا حدی روشننگر گذشته این کهن دیار ایلامی است. قبل از هر چیز ضروری است که به حدود مرزها و تقسیمات داخلی امپراطوری پرداخته شود. بطور کلی مملکت ایلام شامل خوزستان، لرستان، پشت‌کوه و بخشی از پارس یعنی انشان یا انزان بود که از شمال به حدود کرمانشاه در غرب به دجله و در جنوب در سواحل خلیج فارس به لیان یعنی بوشهر کنونی می‌رسید. (۲)

هر چند نظریه‌هایی دامنه قلمرو ایلام از جنوب را فراتر لیان و حتی تا میناب (۳) و بحرین (۴) ترسیم می‌نماید ولی سندی که به شکل متقن و مشخص به این امر صحنه بگذارد تا بحال پیدا نشده و باید منتظر کاوش‌های دقیق آینده بود. اعتقاد بر این است که ایلامی‌ها ابتدا در کوه‌های شرق و شمال شرق جلگه سوزیانا (شوش) زندگی می‌کردند ولی از اوایل هزاره سوم به جلگه خوزستان فرود آمدند (۵) تا در جوار رودهای پر آب و زمین‌های هموار حاشیه آن، فصل جدیدی را بر تاریخ بیفزایند.

منطقه شوش یعنی محل اصلی استقرار ایلامی‌ها بین دو رود خواسپ (کرخه) در غرب و کوپراتس (رود دز) در شرق و اولای یا اولنوس در شمال قرار داشت. (۶) رودهای یادشده منبع خوبی برای کشاورزی و هم مانعی طبیعی برای حفاظت منطقه در برابر مهاجمان بودند که به هر جهت در رشد و شکوفایی تمدن شوشان موثر واقع گردیدند.

در مورد شروع زندگی یکجانشینی و به شکل جمعی در شوش نظرات یکسان نیست. گفته شده که ابتدا اجتماعات محدودی در ۱۵ و ۳۰ کیلومتری شمال و شرق شوش پدید آمدند که شروع این حادثه را پنج تا هفت

هزار سال پیش از میلاد تخمین می‌زنند اما زندگی در شوش از هزاره چهارم ق.م شروع شد. (۷) تاریخ اخیر که شروع رسمی زندگی در شوش است اول بار توسط «ونسان شیل» به نام «پروتو ایلامی» یا «ایلام متقدم» نام گرفت. این نام به نخستین خط بدست آمده از این دوره و بطور کلی به فرهنگ ابتدایی حوزه دشت شوشان تعمیم پیدا کرد. (۸)

«این دوره که همزمان با پیدایش خط در بین‌النهرین است در حدود قرن بیستم و هشتم ق.م پایان می‌یابد.» (۹) تمدنی که در این زمان وارد مرحله شهرنشینی شد برای بقای خود و رفع نیازهای اقتصادی و استقرار سیاسی نیازمند به ایجاد رابطه سیاسی و بازرگانی با مرکز درون ایران (۱۰) و همسایگان خود در میان دو رود (بین‌النهرین) بود. استقرار دائمی، اختراع خط، توسعه کشاورزی و بازرگانی باعث پیدایش سازمان‌های کشوری و اقتدار سیاسی شد که سرانجام ایلامی‌ها را رویاروی اقوام دو رود قرار داد.

پادشاهان ایلامی به شهرهای آباد میان دو رود حمله کردند و اقوام میان دو رود هم برای بدست آوردن فلز (سرب، مس، قلع و نقره)، سنگهای زینتی (مرمر، خارا و ابسیدین)، اسب و غیره خاک ایلام را آماج تاخت و تاز قرار می‌دادند. (۱۱)

موانع طبیعی مانند کوهها، رودخانه‌ها و تنوع مردمان از نظر نژادی و حوزه‌های فرهنگی، باعث نوعی تقسیم‌بندی سیاسی در تاریخ ایلام شد که در طول تاریخ دو هزار و پانصد ساله خود با اعتنا با تقدم شوش، به نوعی باعث چرخش قدرت در مناطق و حوزه‌های سیاسی متفاوت گردید.

در مورد اسامی ایالت‌ها و مناطق ایلام نظریات متنوع و مختلفی بیان شده است. با این حال اکثراً از چهار ناحیه نام برده‌اند: شوش، آوان، انشان و سیماش (یا سیماشکی). منطقه اول را دشت شوشان و بقیه را ایلام (شاید به دلیل منطقه بلند و کوهستانی آن) می‌نامند. (۱۲) در مورد جایگاه امروزی مناطق یاد شده هم نظرها یکسان نیست البته شوش در این میان استثنا است.

پی برآمیه آوان را در حدود امیدیه و ماهشهر کنونی قرار داده که تقریباً در جنوب شرق شوش قرار می‌گیرد ولی «والتر هینتس» آن را در منطقه شمالی‌تر در حدود شمال شرق شوش قرار می‌دهد.

جورج کامرون جایگاه آوان را در شرق شوش می‌داند. اشارات حاکی است که آوان بایستی شوشتر فعلی و سیماش منطقه شمال خوزستان با مرکزیت خرم‌آباد (۱۳) باشد.

و منطقه انشان در غرب و شمال غرب پارس تا مرکز آن قرار داشت و این منطقه با شوش را «انزان سوسنکا» می‌نامیدند. در کل ایلامی‌ها سرزمین خود را هاتامتی یا هلتامت می‌نامیدند که به معنی «سرزمین خدا» بود. (۱۴)

هر چند نمی‌دانیم که سیستم دولت شهر همانند میان دو رود و یونان باستان در ایلام حاکم بوده یا نه ولی چنین پیداست که ساختار حکومت ایلام بر اتحاد میان بخش‌های مختلف پایه‌ریزی شده بود. فرمانداران ایالات زیر نظر نایب‌السلطنه کار می‌کردند و او هم زیر نظر شاه ایلام قرار داشت (۱۵) تا قبل از پادشاهی دوره میانی بر اساس «وراثت از طریق برادر» بود به این ترتیب که جانشین پادشاه نه فرزند او بلکه برادر وی بود. (۱۶) در مدت بیست و دو قرن (هزاره سوم ق.م تا نیمه هزاره اول ق.م) سلسله‌های پادشاهی از نواحی مختلف امپراطوری بر ایلام حکومت کردند که مدارک مکتوبی از آنها باقی است ولی قلت منابع در همه دوره‌ها باعث شده که سه دوره تاریک از یک تا چهار قرن در لابلای تاریخ سلسله‌ای قرار می‌گیرد.

البته شایان ذکر است در قیاس سالنامه‌های بابلی، آشوری و کتیبه‌های ایلامی در مورد زمان حکومت سلسله‌ها و مدت آن اختلاف نظر است که در اعتقادات پژوهش‌گران تاریخ ایلام نیز بی‌تأثیر نبوده است.

بطور کلی یک تقسیم‌بندی از تاریخ سلسله‌ای ایلام به شرح زیر است:

۱- سلسله پادشاهان آوان (۲۲۰۰-۲۶۷۰ ق.م) یا (۲۲۰-۲۵۰ ق.م)

۲- دوره تاریک اول (۲۱۰۰-۲۲۰۰ ق.م)

۳- پادشاهان سیماش (۱۸۵۰-۲۱۰۰ ق.م)

۴- دوره سلسله اپارتی یا سوکل مخ‌ها (نایب‌السلطنه‌ها بزرگ) (۱۵۰۵-۱۸۳۰ ق.م) یا (۱۵۲۰-۱۸۵۰ ق.م)

۵- دوره تاریک دوم به مدت ۱۵۰ سال (۱۲۵۰-۱۵۰۰ ق.م)

۶- سلسله ایگه‌الکی (در انزان یا انشان) (۱۲۱۰-۱۲۵۰ ق.م)

۷- سلسله شوترکی (۱۱۱۰ ق.م-۱۲۰۵ ق.م) عصر طلایی ایلام

۸- دوره تاریک سوم (۷۶۰-۱۱۱۰ ق.م)

۹- سلسله پادشاهان ایلام نو (۶۴۰-۷۶۰ ق.م) (۱۷)

در اولین هزاره تاریخ ایلام، سلسله آوان، سیما شکی و اپارتی به قدرت رسیدند.

پادشاهی آوان و همدوشی تاریخ لیان با تمدن ایلامی

خاستگاه این سلسله به نظر والترهینتس شهر دزفول (نظریه دیگری شوشتر) بود آنها اولین حاکمانی هستند که بر ایلام حکومت کردند. ابتدا بر میان دو رود تسلط داشتند ولی بعدها یکی از پادشاهان سلسله کیش (در جنوب میان رودان) به سلطه ایلامی‌ها پایان داد. بنیانگذار این سلسله پلای نام داشت و جالب اینجاست که «این دوره از ایلام روشنایی چندانی ندارد» و تنها توسط یک سند در معبدی در لیان مسخس می‌شود» (۱۸) که از محل معبد ایزد بانوی لیان یعنی «کی.ری.ری.شا» کشف شد» در این کتیبه تنها یک هجا از قسمت آخر نام سازنده معبد، (هی.هی) بجا مانده است که [وی خود را خدمتگذار «لیپاک» یعنی خدایان می‌داند. از آنجا که نام هیچیک از پادشاهان آوان به «هی» پایان نمی‌پذیرد سازنده معبد یاد شده حاکمی کم اهمیت یا محلی در قرن بیست و پنجم و یا بیست و چهارم ق.م بوده است یا یک نایب‌السلطنه ایلامی و یا به احتمال بیشتر فرماندار شهریوم که می‌تواند همان منطقه ایلامی «سرزمینهای ساحلی» در کنار خلیج فارس بوده باشد» (۱۹)

به این ترتیب آغاز ورود لیان در تاریخ ایلام با قدیمی‌ترین دوره تاریخی آن یعنی آوان شروع می‌شود. این مسأله روشن می‌سازد که شبه جزیره بوشهر می‌باید سالیان درازی پیش از این رویداد آباد و مسکون بوده باشد چه در غیر اینصورت نمی‌توانست در یک جهش سریع با حکومتی که در مرکزیت ایلام تشکیل شده بود، خود را همراه سازد. پس این پیکره یعنی لیان دارای زمینه‌هایی بوده که با آغاز وحدت سیاسی ایلام جزو آن محسوب گردید. مضاف بر این که کتیبه مذکور به زبان آکدی است که خود جای تأمل است.

پس از یک دوره کوتاه مدت برتری ایلام بر میان دو رود این نوبت با رقیب بود که با تازش پیاپی خود خواب خوش پادشاهان ایلام را آشفته سازد. سارگن (۲۳۰۷-۲۳۴۰ ق.م) بنیانگذار دولت آکد، اول بار به ایلام تاخت، شاه ایلام «لوه ایششان» هشتمین فرمانروای پلای - آوانی بود. سارگن بر ایلام پیروز شد و بعد از این حادثه خود را شاه کیش، فاتح ایلام و ورهشی (ایالت خود مختار مرزی در شمال غرب خوزستان) نامید (۲۰) و به نشانه این پیروزی شمشیر خود را در آب‌های خلیج فارس شست (۲۱)

ایلامی‌ها در زمان «ریموش» (۲۳۰۷-۲۳۱۶ ق.م) پسر سارگن، سعی در رهایی از یوغ آکاد کردند ولی در تاخت و تاز ریموش شکست خوردند و بار دیگر ایلام غارت شد. پس از ریموش، پسر دیگر سارگن «منیشتوسو» به حکومت آکد رسید. «اسپوم» پادشاه آوانی ایلام خود را مطیع اعلام کرد ولی میل به غارت و چپاول باعث حمله منیشتوسو به ایلام شد. در این حمله سپاه آکد به دو دسته تقسیم شدند «یک شاخه از سپاه او از طریق زمین و از راه شوش به سوی خلیج فارس پیشروی کردند و شاخه دیگر تحت فرمان خود او با کشتی خلیج [فارس] را درنوردید. یکی از کتیبه‌های «منیشتوسو» گزارش می‌دهد «من با هدایا و پیشکشها شاه انشان و شهریهوم (۲۲) را به سوی خدایم، خدای خورشید [شمس] رهبری کردم» بطور وضوح هدف اصلی این سفرهای پرمخاطره، دست یافتن به معادن نقره و سنگ‌های گرانبهای کوههای جنوبی ایران بود.» (۲۳)

قدر مسلم مناطق مورد حمله منیشتوسو از حدود بندر دیلم تا منتهای الیه شبه جزیره لیان باستانی بود، چرا که منطقه ماهشهر تا خرمشهر فاقد هر گونه آثار مربوط به زندگی ایلامی است و احتمالاً در آن فرمان تا حد زیادی زیر پوشش پسامدهای خلیج فارس و نيزار و باتلاقی بوده است.

بهر حال «منیشتوسو پادشاه کیش وقتی انشان و [شیریکوم] را تحت اختیار درآورد با ناوگانی از دریایی پست عبور کرد. از پادشاهان آن سوی دریا سی و دو تن برای جنگ با او گرد آمدند، اما او همه آنها را شکست داد و شهرهایشان را تسخیر کرد. وی فرمانروایان این شهر را برانداخت و کشورهایشان را تا معادن نقره تصرف کرد. از کوههای آن سوی دریای پست، سنگ‌هایی برداشت و پیکره خودش را ساخت و به انلیل [خدای مورد پرستش] تقدیم کرد.» (۲۴)

در ادامه لشکرکشی موفق شد «تا جاده‌هایی را که از آنها مواد ساختمانی و فلزات از کوهستانهای ایران آورده می‌شد، تحت مراقبت بگیرد» (۲۵) از دلایل دیگر حمله منیشتوسو به دست آوردن دیوریت (نوعی سنگ آذرین) در زاگرس جنوبی بود که در معماری آن روز ارزش بسیار داشت. پس در پیشروی منیشتوسو در سرزمین ایلام هم در انشان و هم در شیریهوم «سراسر ناحیه تاکانه‌های گرانبهای غارت و ویران گردید و راه برای حمل دیوریت و کانه‌های گرانبهای ساحل ایرانی خلیج فارس به بابل باز شد.» (۲۶)

بعد از منیشتوسو، «نارام سین» (۲۲۵۵-۲۲۹۱ ق.م) به پادشاهی رسید وی با «هیتا» شاه ایلام معاهده‌ای بست. معاهده صلح به زبان ایلامی بود نه آکدی (مانند کتیبه لیان) علاوه بر آن در این معاهده از مذهب و خدایان ایلامی اطلاعات مفیدی به دست می‌آید. (۲۷)

آخرین (دوازدهمین) امیر آوانی پوزور - اینشوشیناک بود که توانست در برابر تجاوزگری‌های حریصانه آکدی‌ها مقاومت کند. اما به دنبال او کسی نیامد تا قدرت را استمرار بخشد و دوره تاریک اول تاریخ ایلام (۲۱۰۰-۲۲۰۰ ق.م) شروع شد. بخت با ایلامی‌ها یار بود چون آکدی‌ها میان رودان هم از گوتی‌ها (کوه‌نشینان شمال غرب ایران) شکست خوردند و زیر سلطه آنها قرار گرفتند که یک قرن بطول انجامید و نتیجه آن شکست بیگانه و جان‌شینی حکام اور به جای کیش در میان دو رود بود که طی آن سلسله اور و بعد ایسین لارسا (سوم جدید) به قدرت رسیدند. (۲۸)

سلسله سیماشکی (۱۸۵۰-۲۱۰۰ ق.م) دوران خاموشی لیان

مرکز آن در خرم‌آباد کنونی بود. پادشاهان این سلسله قصد داشتند که شکست‌های سابق آخرین امیران آوانی را در برابر همسلیگان غربی جبران کنند از این رو «هوتران - تمپت» شاه سیماشکی در سال ۲۰۰۶ ق.م، «ایبی سین» سومری را شکست داد و سربازان ایلامی بر شهر اور دست یافتند پادشاه اور و مجسمه «نانا» خدای شهر را به نشانه پیروزی با خود به ایلام آوردند. (۲۹)

دوره حکومت دویست و پنجاه ساله سیماش‌ها با پیروزی بر میان رودان توأم بود این درگیری‌ها بیشتر در نواحی شمال ایلام صورت گرفت و شیریهوم و لیان یا کمتر نقش و دخالتی در زمینه این داشتند و یا حداقل منابع و متون این نقش را مشخص نکرده‌اند.

سلسله اپارت یا سوکل مخ‌ها (نایب‌السلطنه‌های بزرگ) (۱۵۰۵-۱۸۲۰ ق.م) همجواری با شیریهوم و تک سند ایلامی در شهر لیان

مرکز حکومت آنها در انشان یا انزان بود. شکل حکومت آنها به این تربیت بود که شاه عنوان (شاه انشان و شوش) داشت. نزدیکترین برادرش نایب‌السلطنه (جانشین) وی بود و فرزندش (پسر ارشد) حاکم شوش بوده و به سلطنت نمی‌رسید و پدر و پسر در شوش بودند و نایب‌السلطنه به همه نقاط امپراطوری سرکشی می‌کرد. (۳۰)

اپارت، سیلها، اتاهوشو، سیرکتوه از این سلسله به ترتیب پادشاهی کردند و بعد نوبت به سیموت و وارتاش (۱۷۷۰-۱۷۷۲ ق.م) رسید. همجواری لیان و شیریهوم با مرکز و منشاء قدرت سلسله جدید و کشیده شدن مرکز آن به سمت جنوب قطعاً برخلاف دوره سیماش برای لیان امتیاز محسوب می‌گردید چرا که در این صورت شیریهوم واسطه آنها با دریا و لیان بندر مهم بازرگانی ایلام به حساب می‌آمد و جالب است بدانیم تنها سند موجود در کل امپراطوری ایلام از سیموت و وارتاش يك مهر استوانه‌ای به‌جا مانده که آن هم در معبد الهه «کی‌ری.ری.شا» در لیان یافت شد. (۳۱)

در این زمان حمورابی پادشاه معروف بابل دولت جدیدی را در میان دو رود پی افکند و بزودی طی چندین جنگ بر ایلام غلبه کرد اما دیری نگذشت که خود آماج حملات کاسی‌های غرب ایران قرار گرفتند. و ایلام هم در محاق دومین دوره تاریخ خود به مدت ۱۵۰ سال فرو رفت (۱۲۵۰-۱۵۰۰ ق.م). از این دوره نشانه کمی بجا مانده که شاید بدلیل فترت سیاسی، خلاء قدرت و رسیدن پادشاهی محلی و کم اهمیت در تاریخ ایلام باشد. مدارک اندکی در «کبنا» یا هفت‌تپه روشنایی کمی به این دوره می‌بخشد.

دوره ایلام میانی (۱۱۲۰-۱۴۵۰ ق.م) و جلوه‌گری تمام عیار لیان

این دوره که به دوره طلایی ایلام معروف است دو سلسله به قدرت رسیدند که درخشان‌ترین عصر تاریخ لیان می‌باشد و پادشاهان آن توجه خاصی به لیان داشتند و کمتر پادشاهی بود که وقفی یا تعمیراتی در معبد لیان نکند و کتیبه‌ای در این زمینه در معبد لیان به یادگار نگذارند.

الف: سلسله ایگه‌الکی‌ها

مرکز آنها احتمالاً در بخش غربی انشان یعنی «ایاپیر» یا ایذه کنونی بود. بینانگذار سلسله «ایگی هالکی» بود. (۳۲) پس از وی «پاهیر ایشان»، آتارکیتا (۱۲۸۶-۱۲۹۵ ق.م) و بعد نوبت به هومبان نومنا (۱۲۶۶-۱۲۸۵ ق.م) رسید که پسر آتارکیتا است. در این زمان چنانکه اشاره شد شیریهوم و لیان مورد توجه بسیار واقع شدند بطوری که «تنها متن ایلامی مربوط به هومبان نومنا در شوش یافت نشده بلکه در لیان به دست آمده است.» (۳۳)

وی برای خدایان لیان معبدی بنا کرد و در کتیبه خود از خدای هومبان (خدای آسمان)، «کی‌ری.ری.شا» (الهه بزرگ لیان) همچنین از پهاوتپ (خدایان بخشنده) یاد می‌کند و خود را وسعت دهنده پادشاهی، فرمانروای ایلام و شاه انشان می‌نامند. هومبان نومنا در کتیبه خود می‌گوید: «خدا هومبان، من را بخاطر مادرم دوست داشت و تقاضای من را برآورد» و ادامه می‌دهد که در خرابه‌های معبد پیشین (معلوم می‌شود که معبد لیان پیش از این تاریخ وجود داشته ولی سازنده اولین آن مشخص نیست) معبد بزرگی را بنا کرده و به ایزدانوی شهر لیان کی‌ری.ری.شا و پهاوتپ وقف کرده و از آن زندگی ابدی و سلامت طلب می‌کند و هم از مادرش «میشیمروه» و همسرش «ریشاپلا» نام می‌برد. (۳۴)

هومبان نومنا پادشاه مقتدر ایلام، دو معبد در لیان یکی برای هومبان و همسرش کی‌ری.ری.شا و دیگری برای

خدایان حامی شهر (بهاوتت) ساخت که این موضوع صراحتاً در کتیبه‌های پادشاهان بعد از وی آمده است. (۳۵) چنین پیداست که نذری در کار بود و وی برای سلامتی همسر و مادرش یا بقول جورج کامرون زانش، معبد ایزدبانوی شهر لیان را از نو ساخته است. (۳۶) بعد از وی اونتش گل (گل نام دیگر هومیان یا خدای آسمان) یا اونتاش هومیان (۱۲۶۵-۱۲۴۵ ق.م) به قدرت رسید و فرزند هومیان نومنا است چون در این زمان دیگر سیستم برادر - شاهی به پایان تغییر یافته و به شکل موروثی پدر - پسری درآمد. اونتش گل، شهر «دوراوتاش» (چغازنبیل و معبد زیگوراتی بزرگ آن) را ساخت. با این حال به علت اهمیت لیان و به ویژه ایزدبانوی آن جایگاهی را در کنار معبد اینشوشناک به الهه «کی.ری.ری.شا» اختصاص داد. (۳۷) این امر نشان دهنده این است که پرستش ایزدبانوی لیان نه فقط مخصوص مردم این شهر بلکه قلمرو آن از جنوب به سمت شمال کشیده شده و کی.ری.ری.شا از مقام الهه محلی به الهه‌ای ملی تبدیل شده بود. پس از اونتش گل سه نفر به حکومت رسیدند. در این زمان با پایداری نشانه‌های زوال بابل، آشوری‌ها در شمال میان دو رود با اقتدار ظهور کرده و در پی توسعه‌طلبی خود در زاگرس و خلیج فارس برآمدند. (۳۸)

شوتروکی‌ها (۱۱۱۰-۱۲۰۵ ق.م) اوج ترقی لیان

خاستگاه این سلسله در نزدیکی فهلیان تا حوالی شیراز و بنیان‌گذار آن «هالتوش اینشو شیناک» (به معنی خدای اینشوشناک نسبت به سرزمین من مهربان بود) است. پس از وی نوبت به پادشاه نامدار این سلسله یعنی شوتروک‌ناهونته (آن که توسط خدای خورشید برآستی هدایت می‌شود) رسید. کتیبه‌های بسیاری از وی بجا مانده است «علاقه زیادی به جمع‌آوری سنگهای یادبود داشت... و شاه شخصاً کتیبه‌ها را بر سنگ می‌کند و به این ترتیب آن را معتبر می‌کرد.» (۳۹) در این زمان وسعت امپراتوری ایلام به منتهی‌الیه جنوب لیان می‌رسید. شوتروک‌ناهونته معبد ایزدبانوی لیان یعنی کی.ری.ری.شا را که قبلاً توسط هومیان نومنا بازسازی شده بود و به مرور زمان دچار تخریب گشته بود، تعمیر کرد. (۴۰) والتر هینتس این مسأله را دلیل قدرت سیاسی وی در گستره امپراتوری ایلام می‌داند. شوتروک‌ناهونته پیروزیهای درخشان نظامی خود را در میان دو رود در کتیبه معبد لیان شرح می‌دهد. (۴۱) او در سال ۱۱۶۰ ق.م بابل را شکست داد و پسرش کوتیرناهونته را به عنوان نایب‌الحکومه آن شهر منصوب کرد و پس از گشودن شهرهای دیگر، مجسمه مانیشوتسو (پسر سارگن و مهاجم به شوش و شیریهوم، ستون یادبود نارام سین (درباره پیروزی بر کوه نشینان زاگرس) و لوحه معروف حمورایی را به نشانه پیروزی با خود به ایلام آورد.

پس از درگذشت شوتروک‌ناهونته، پسرش کوتیرناهونته که در پیروزی‌های پدرش در میان دو رود نقش مهمی داشت به قدرت رسید. او هم با توجهات خاص به لیان و موقعیت سیاسی، اقتصادی و مذهبی آن، به تأسی از پدران خود، معبد ایزدبانوی لیان «کی.ری.ری.شا» را بازسازی کرد و در کتیبه‌ای که از آن معبد بدست آمده برای همسرش «نهونته اوتو» و فرزندش طلب خیر و برکت نمود.

دوره پنج ساله حکومت کوتیرناهونته (۱۱۶۶-۱۱۷۰ ق.م) سپری گردید و بعد از وی برادرش شیلهاک اینتوشیناک (۱۱۵۱-۱۱۶۵ ق.م) (به معنی تقویت شده بوسیله خدا اینشوشیناک) به قدرت رسید. بر خلاف جورج کامرون، والترهینس عقیده دارد که وی از سال ۱۱۲۰-۱۱۵۰ ق.م حکومت کرده است. که در این صورت حدود چهل سال اختلاف زمانی وجود دارد. اما این اختلاف نظر چیزی از شکوه و عظمت امپراتوری او نمی‌کاهد چون دوران حکومت او از باشکوهترین دوران تاریخ ایلام است.

پیروزی نظامی، ثروت، سازندگی و توجه به ساخت و ساز معابد از ویژگیهای حکومت اوست. (۴۴) شیلهاک اینشوشیناک حدود سی کتیبه از خود به یادگار گذاشت بطوری که والتر هینتس وی را آرشویست و تاریخ‌گذار می‌نامد. وی کتیبه‌های شاهان پیش از خود را استنساخ کرد و گفت:

«من کتیبه‌های آن را نه کنار گذاشته‌ام و نه دخل و تصرفی در آن کرده‌ام، آنها را دوباره نوشته‌ام و در معبد اینشوشیناک قرار داده‌ام.» (۴۵) این پادشاه کتیبه نویسنده، معبد الهه «کی.ری.ری.شا» و «معبد دیگری را که این الهه با هومیان مشترکاً سهیم بودند، بطور کامل بازسازی کرد.» (۴۶)

درگیری‌های نظامی با پادشاهان میان رودان که همواره با فتوحات بسیار از سوی شیلهاک اینشوشیناک همراه بود وقت زیادی از مدت حکومتش را به خود اختصاص داد. اگر غیر از این بود قطعاً می‌توانستیم کتیبه‌های بیشتری از وی داشته باشیم. با پایان پذیرفتن حکومت وی تقریباً افول و زوال قدرت سیاسی در ایلام نمایان می‌شود و می‌توان به نوعی او را آخرین پادشاه قدرتمند ایلام قلمداد نمود.

بعد از شیلهاک اینشوشیناک، «هوتو لوتوش اینشوشیناک» به قدرت رسید در این زمان احتمالاً منطقه لیان دیگر در اختیار این پادشاه ایلام نبود چون در هیچیک از آجرهای کتبه‌دار او ذکری از لیان نمی‌شود.» (۴۷) البته شایان

ذکر است که این مسأله بمنزله تصرف لیان بوسیله يك دولت خارجي نیست بلکه چون این پادشاه بطور دایم درگیر جنگ با پادشاهان زورمدار آشوري و بابلي بود کمتر توانست به مناطق جنوبي قلمرو امپراطوري بویژه شیریهوم و لیان توجه نماید و شاید نوعي خود مختاري - با استفاده از مشغله شاه در جنگ با همسایگان غربي - در لیان حاکم بوده است. به هر ترتیب پس از پایان سلطنت آخرین پادشاه شوتروکي دوره تاريخ سوم تاریخ ایلام شروع شد که بمدت چهارصد سال (۷۶۰-۱۱۱۰ ق.م) بطول انجامید.

پادشاهی ایلام نو (۶۴۰-۷۴۰ ق.م)
واپسین دم حیات سیاسي ایلام

آغاز حکومت آخرین سلسله پادشاهی تاریخ ایلام با «هومیان نیکاش» شروع می‌شود که به مدت يك قرن ادامه یافت. نیکاش بیست و پنج سال سلطنت کرد و سارگن (غیر از سارگن آکدي است) پادشاه مشهور آشور را شکست داد. ولي درگیری با آشوري‌ها به سرعت ادامه پیدا کرد و ضعف سیاسي شاهان بعدي مانع شد ایلامی‌ها افتخارات عصر طلايي شوتروکي‌ها را ادامه می‌دهند. در سال ۶۹۴ ق.م سناخریب پادشاه آشوري سواحل ایرانی خلیج فارس را مورد حمله قرار داد که یکی پس از دیگری سقوط کردند. (۴۸) به احتمال قوي لیان هم جزو شهرهاي متصرفي بود و در کل شیریهوم مورد تخریب و غارت واقع شد.

مقاومت‌هاي اندك ایلامی‌ها در برابر حملات شاهان آشور، اختلافات دروني و قدرت‌طلبي سیاسي، فرصتي را برای آشور باني پال سلطان نامي و فاتح آشور پدید آورد تا با حملات پیاپی خود طومار بیست و پنج قرن حکومت ایلامی‌ها را در هم بیچد. آشور باني پال ایلام را آماج حملات خود قرارداد در آخرین حمله (۶۴۵ ق.م) شوش و شهر مذهبي دورانتاش (چغازنبیل) به ویرانه تبدیل شدند و «هومیان هالتاش سوم» آخرین پادشاه ایلام را به اسارت بردند. پس از آن ایلام کم و بیش در دوره مادها و پارس‌ها به شکلي ضعیف و پاره‌اي از آن امپراطوري‌ها به حیات خود ادامه داد ولي هرگز به افتخارات کهن خویش بازنگشت و شیریهوم و لیان هم تمام خاطرات خود را در دل خویش خاموش نگه داشته و دیگر در تاریخ ایران به این نام ظاهر نگشتند.

ژرف‌نگري در تاریخ ایلام به ما می‌نمایاند که لیان (بوشهر کنوني) در آن زمان موقعیت و اهمیت ویژه‌اي داشته است. مجاورت با دریای پارس باعث شد تا لیان بندر صادراتي کالاي بازگاني به حوزه خلیج فارس حتي تمدن سند محسوب شود. شیریهوم و لیان در جنوب محافظ شوش و انشان در برابر حملات پیاپی اقوام میان رودان مانند آكد، بابل و آشور بود تا حدی که صدماتي جدی در این راه تحمل کرد.

از نظر مذهبي لیان جایگاه ایزدبانوي ملي ایلام کي.ري.ري.شا خدای ویژه ایلام بود با عنایت به اینکه موقعیت زنان در ایلام رفیع‌تر از سلسله آریایی بود و دهها الهه ایلامي و بابلي در ایلام مورد پرستش واقع می‌شدند. بجز الهه کي.ري.ري.شا خدای هومیان یا گل و بهاهوتپ (خدایان بخشنده) هم در لیان دارای معبد بودند و تقریباً کمتر پادشاهان قدرتمندي از ایلام سراغ داریم که توجه خاصی به این معابد ننموده باشد.

نکته دیگر اینکه اهمیت لیان و معبد بزرگ آن از این روست که در مواقعي دارنده یگانه سند تاریخي و مکتوب از شاهان ایلام مانند شیموت وارتاش و هومیان نومنا بوده است که خود مبین توجه خاص به معابد ایلامي لیان است و سرانجام امید به این که ما وارثان کنوني تمدن چهار هزار و پانصد ساله لیان با تتبع در تاریخ ایلام و شناخت آثار به جا مانده بتوانیم صفحات جدیدی بر تاریخ ایلام بیفزاییم بویژه این که نوعي حکومت چرخشي در ایلام وجود داشته که مثلاً آوان، انشان و سیماش به حکومت رسیده‌اند و هم این که در تاریخ ایلام سه دوره تاريخ سیاسي دارد که اطلاعات چنداني از آن به دست نیامده است.

در نتیجه اگر آثار معابد ایلامي در بوشهر شناسایی شوند و با روش نو سیستماتیک به کاوش‌هاي باستان‌شناسي در کهن شهر لیان ایلامي اهتمام گردد به یقین صفحات جدیدی بر تاریخ ایلام افزوده خواهد شد و احتمال دارد در یکی از دوره‌هاي تاريخ این گردش حکومت به لیان رسیده باشد که اگر اینطور باشد این افتخار به لیان می‌رسد. از این رو تنها راه چاره آن است که به سراغ معبد فعلي ایلامي که به احتمال زیاد از آن کي.ري.ري.شا است رفته و با روشي نو، گنج‌یابی میسو بپردازد را جبران کنیم. نکته آخر این که دو معبد دیگر در لیان وجود داشته معبد هومیان (یاگل) و بهاهویت یا خدایان بخشنده که احتمالاً باید در ریشهر قرار داشته باشند امید است که با همت مسئولین نهادهای فرهنگي، کشوري و فرهنگ دوستان بوشهری این امر مهم بزودي عملي گردد.

پی‌نوشته‌ها:

- ۱- بهرام فره‌وشي، ایرانویچ، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۰.
- ۲- حسن پیرنیا، ایران باستان، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۹، ص ۱۳۰.
- ۳- آرنولد ویلسون، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمي و

- فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۴ به نقل از گزارش مسیو پزارد.
- ۴- احمد اقتداری، خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: شرکت کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، ص ۱۵.
- ۵- رومان گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۳۹.
- ۶- ژان دیولافوا، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، ترجمه ایرج فره وشی، چاپ پنجم تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صص ۵۰-۲۴۹.
- ۷- میر عابدین کابلی، «شوش و میراث باستانی دشت شوشان» نشریه میراث فرهنگی ویژه‌نامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۲، سال ۱۳۷۳، صص ۲۱-۱۲.
- ۸- محمود موسوی -«ملاحظات درباره آغاز دوره تاریخی در ایران بر اساس آخرین یافته‌های باستان‌شناسی» همان منبع ص ۲۱۲.
- ۹- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ص ۳.
- ۱۰- حفریات باستان‌شناسی ارتباط تمدنی شوش با تلملیان در مرودشت فارس، تپه بحی، شهداد و تل‌ابلیس در کرمان را مشخص می‌نماید. از سوی دیگر آنها با سومری‌ها در میان رودان ارتباط داشتند که گاه با جنگ و غارت متقابل همراه بود. (یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام ص ۲۰)
- ۱۱- همان منبع، ص ۵ (فصل ۱).
- ۱۲- پی‌یر آمیه، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۲.
- ۱۳- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۶.
- ۱۴- محمدرحیم صراف، نقوش برجسته ایلامی، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۸.
- ۱۵- همان، ص ۶.
- ۱۶- همان ص ۱۳.
- ۱۷- میر عابدین کابلی، «شوش و میراث باستانی دشت شوشان»، صص ۲۲-۲۳.
- ۱۸- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، چاپ اول، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۸۱.
- ۱۹- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۶.
- ۲۰- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، صص ۸۲-۸۵.
- ۲۱- احمد اقتداری، خلیج فارس، چاپ سوم، تهران: شرکت‌های کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، ص ۲۰.
- ۲۲- شیریهوم sirihum یا شیریهوم sherihum یا سرزمین‌های ساحلی خلیج فارس در جنوب ایلام بخش بزرگی از استان بوشهر از بندر فعلی دیلم تا منهی‌الیه لیان باستان بوده است. پرفسور لایا (ایلام‌شناس فرانسوی) لیان و ایلام را دو منطقه مجزا به شمار می‌رود ولی دکتر عبدالمجید ارفعی لیان را بخشی از ایلام می‌داند. (یوسف مجیدزاده، تاریخ ایلام ص ۳۷)
- ۲۳- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، صص ۷۸-۸۶.
- ۲۴- ژرژ رو، بین‌النهرین باستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر آبی، ۱۳۶۹، صص ۴۴-۱۴۳.
- ۲۵- رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۴۰.
- ۲۶- جورج کامرون، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۷-۲۸.
- ۲۷- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، صص ۸۷-۹۴.
- ۲۸- همان، ص ۹۴.
- ۲۹- همان، صص ۹۶-۹۹.
- ۳۰- همان، صص ۱۰۴-۱۰۵.
- ۳۱- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۸۶.
- ۳۲- همان، ص ۱۹.
- ۳۳- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۱۳۳.
- ۳۴- همان، ص ۱۳۳.
- ۳۵- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۷۸.
- ۳۶- جورج کامرون، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ص ۷۷.
- ۳۷- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۲۷-۱۳۶.
- ۳۸- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۲۰.
- ۳۹- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۱۴۵.
- ۴۰- جورج کامرون، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ص ۸۲.

- ۴۱- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۱۴۳ .
- ۴۲- والتر هینتس تاریخ پادشاهی کوتیر ناهونته را ۱۱۵۰-۱۱۵۵ ق.م می‌داند (والتر هینس، همان، ص ۱۵۰)
- ۴۳- جورج کامرون، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ص ۸۵ .
- ۴۴- والتر هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۱۵۱ .
- ۴۵- همان، ص ۱۵۳ .
- ۴۶- همان، ص ۱۵۵ .
- ۴۷- یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۲۷ .
- ۴۸- والتر هینتس، دنیای گمشده ایلام، صص - ۱۷۴۵ .
- ۴۹- همان، ص ۱۸۵ .
- ۵۰- پی یر آمیه، تاریخ عیلام، ص ۵۰ .

نویسنده:

غلامحسین نظامی، پژوهشگر بنیاد ایران شناسی - شعبه بوشهر کارشناس ارشد تاریخ

منبع :

[/http://historyscholar.persianblog.ir](http://historyscholar.persianblog.ir)